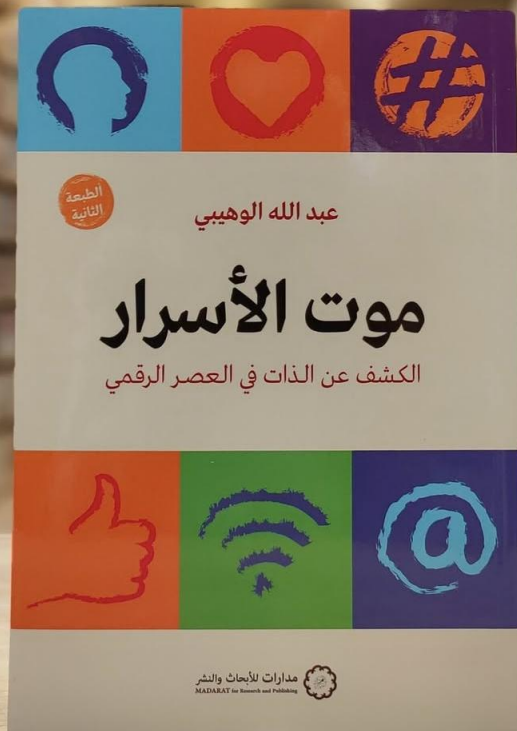


اقتصاد برهنگی

تأملاتی بر کتاب «مرگ رازها؛ خود افشاگری در عصر دیجیتال»

فوزی الغویدی | ترجمه: واحد ترجمه متین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقتصاد برهنگی

تأملاتی بر کتاب «مرگ رازها؛ خود افشاگری در عصر دیجیتال»

در جهانی که پلتفرم‌های دیجیتال به تربیون‌های اصلی برای شکل‌دهی به خودآگاهی و ساختن هویت فردی بدل شده‌اند، پدیده «برهنگی داوطلبانه» به مثابه یک کنش نمادین و جسمانی با ابعاد چندگانه ظهور کرده است. این پدیده اما تنها به آشکارسازی جسمی محدود نمی‌شود، بلکه از آن فراتر رفته و افشاگری‌های عاطفی و آسیب‌پذیری‌های روانی را نیز در بر می‌گیرد تا در قلب استراتژی‌های معاصر برای نمایش «خود» در فضای دیجیتال جای گیرد. در ادامه این مقاله، به این پدیده و شاخه‌های منشعب از آن می‌پردازیم. برهنگی داوطلبانه علی‌رغم همه جذابیت‌هایی که ارائه می‌دهد، خطرات و پیامدهای سنگینی را در دو سطح فردی و اجتماعی به همراه دارد. در سطح

فردی، افشاگری بیش از حد «خود» ممکن است به فرسایش مرز میان حریم خصوصی و عمومی و از دست دادن حس استقلال فردی منجر شود. همچنین می‌تواند فرد را در برابر سوء استفاده و اخاذی آسیب‌پذیر سازد، به‌ویژه با در نظر گرفتن نبود تضمین‌های کافی برای حفاظت از داده‌های شخصی.

اما در سطح اجتماعی، گسترش فرهنگ برهنگیِ داوطلبانه ممکن است به فروپاشی بافت اجتماعی و فرسایش اعتماد میان افراد بینجامد. زمانی که اسرار شخصی به کالایی برای مصرف عمومی تبدیل می‌شوند، روابط انسانی عمق و ویژگی خود را از دست می‌دهند و به روابطی سطحی و مبتنی بر نمایش و خودنمایی بدل می‌گردند.

اقتصاد برهنگی

گذار از «فرهنگ نوشتار» به «فرهنگ تصویر»، به بازتعریف رابطه فرد با خویشتن منجر شده است. آنطور که «خود» دیگر نه در پی فهمیده شدن، که

در پی دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن است. همین امر، اتکا به «بدن» را به عنوان ابزاری برای بازنمایی «خود» افزایش داده است. این چرخش، به حضور پررنگتر بخش‌های خصوصی بدن در محتوای دیجیتال انجامیده است؛ پدیده‌ای که در چارچوب «چرخش تصویری»^۱ (visual turn) قابل فهم است، جایی که پلتفرم‌های بصری، نمایش حسی را بر بیان متنی یا تأملی ارجحیت می‌دهند.^۲

«اقتصاد برهنگی» در همین بستر پدیدار گشته است؛ اقتصادی که در آن بدن - به‌ویژه بدن زنانه - برای افزایش جذابیت، گسترش دایرهٔ دنبال‌کنندگان و کسب سود اقتصادی به کار گرفته می‌شود. پژوهش جدیدی که توسط گنسله (Gaenssle, 2023) انجام شده، نشان داده است که اینفلوئنسرهای دیجیتالی که بدن خود را به شکلی آشکارتر به نمایش

۱- «چرخش تصویری» به دگرگونی بنیادین فرهنگ از یک جهان متن‌محور به جهانی تصویرمحور اشاره دارد. در این جهان جدید، تصاویر دیگر تنها بازتاب‌دهندهٔ واقعیت نیستند، بلکه به ابزار اصلی برای ساختن هویت و درک حقیقت تبدیل شده‌اند. (ویراستار)

۲- عبدالله الوهیبی، موت الأسرار (مرگ رازها) قاهره: مدارات للأبحاث والنشر، ۲۰۲۵، صفحهٔ ۲۹۷.

می‌گذارند، ۴ درصد سود تبلیغاتی بیشتری در مقایسه با همتایان خود که از این شیوهٔ بازنمایی پرهیز می‌کنند، کسب می‌کنند. همچنین، پژوهش دیگری توسط دوپورتای و همکاران (Duportail et al., 2020) نشان داد که احتمال نمایش تصاویر برهنه از زنان در اینستاگرام به ۵۴ درصد می‌رسد، در حالی که این آمار برای تصاویر مردان با سینهٔ برهنه تنها ۲۸ درصد است؛ امری که گویای یک سوگیری جنسیتی آشکار در نحوهٔ بازنمایی بدن زنانه است.^۳

شماری از پژوهشگران تأکید می‌کنند که این عمل دیگر صرفاً بیانی از آزادی شخصی نیست، بلکه بخشی از یک تحول بزرگتر به سوی «کالایی‌سازی خود» (self-commodification) و تبدیل آن به محصولی دیداری است که در سازوکارهای بازار دیجیتال به مصرف می‌رسد. در همین راستا، بارکان (Barcan, 2004) هشدار داده است که فرهنگ غربی - به‌طور خاص - بدن را

۳- همان (۲۹۹).

بازآفرینی کرده و آن را از یک فضای خصوصی به یک نمایش عمومی که در معرض دید، ارزیابی و مصرف قرار دارد، بدل کرده است.^۴

این پدیده‌ها به وضوح در اپلیکیشن‌هایی مانند «تیک‌تاک» و «اینستاگرام» نمود پیدا می‌کنند؛ جایی که تصاویر بدنی، ویتترین تعاملات را به خود اختصاص داده‌اند. این امر حتی در حوزه‌هایی که در ظاهر حرفه‌ای یا مرتبط با سلامت به نظر می‌رسند، مانند مشاوره تغذیه، تمرینات ورزشی یا نمایش‌های مد (فشن) نیز صادق است. در این فضاها، بدن - به‌ویژه بدن زن - به ابزاری برای جلب تعامل و ساختن یک «برند شخصی» به کار گرفته می‌شود که حضور دیجیتال فرد را تقویت کرده و برای او مخاطبان گسترده‌تری به ارمغان می‌آورد.

با این حال، این توانمندسازی ظاهری، در بطن خود تناقضی عمیق دارد. فضای دیجیتال گرچه به افراد این فرصت را می‌دهد که خود را به دلخواه بازنمایی کنند، اما در همان حال آنان را به پذیرش معیارهای پنهانی وادار

۴- همان.

می‌کند؛ معیارهایی چون کلیشه‌های زیبایی، شیوه‌های خاصِ ارائه، و لزوم پاسخ‌دهی آنی به توجه دیگران. به این ترتیب، «برهنگی داوطلبانه» از یک کنش آزاد به یک «اجرای مصرف‌گرایانه هدایت شده» تبدیل می‌شود که کیفیت آن نه با صداقت در بیان، بلکه با حجم واکنش‌ها سنجیده می‌شود.

آنچه در ظاهر، تمرین‌رهایی از قیدهای سنتی اجتماعی به نظر می‌رسد، در بطن خود ممکن است نوعی گردن نهادن به هنجارهای دیجیتال باشد که حتی محدودکننده‌تر هستند؛ اما این هنجارها با زبان مدرنیته و گشودگی و آزادی استتار شده‌اند. در نتیجه، بیان «خود» در این فضا لزوماً به خلق یک «خود» آزاد نمی‌انجامد، بلکه می‌تواند به تولد یک هویت دورگه و ساختگی منجر شود که بیش از آنکه به خودِ فرد تعلق داشته باشد، به پلتفرم وابسته است.

بدین ترتیب، «برهنگی داوطلبانه» در فرهنگ دیجیتال معاصر اگرچه در ظاهر یک انتخاب فردی به نظر می‌رسد، در ذات خود بازتابی از یک ساختار گسترده فرهنگی و اقتصادی است؛ ساختاری که رابطه میان انسان و بدنش، میان

آزادی و انطباق، و میان تعامل دیجیتال و اصالت و صداقت وجودی را بازتعریف می‌کند.

برهنگی داوطلبانه و هویت دیجیتال

با افزایش اتکای ما به پلتفرم‌های دیجیتال، هویت مجازی ما به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت کلی‌مان تبدیل شده است. در اینجا یک پرسش بنیادین مطرح می‌شود: آیا «برهنگی داوطلبانه» این هویت را تقویت می‌کند یا آن را خدشه‌دار می‌سازد؟ کتاب به این نکته اشاره دارد که این رابطه پیچیده و متناقض است. از یک سو، این پدیده به افراد فرصت می‌دهد تا خود را آن‌گونه که می‌خواهند به جهان معرفی کنند و از این طریق، حس کنترل بر هویت خویش را تقویت نمایند. و از سوی دیگر، فشارهای شدیدی برای انطباق با معیارهای اجتماعی خاص ایجاد می‌کند که به کلیشه‌ای شدن هویت‌ها و از میان رفتن تنوع و اصالت می‌انجامد.

این برهنگی داوطلبانه شاید نوعی «توانمندسازی خود» تلقی شود، زیرا به افراد این قدرت را می‌بخشد که «خود» را بازنمایی کرده و روایت‌های شخصی‌شان را آن‌طور که می‌خواهند، هدایت کنند. اما این بازنمایی به سرعت تابع معیارهای سخت‌گیرانه عمومی می‌شود: لایک، دنبال کردن، کامنت و اشتراک‌گذاری. به این ترتیب، «خود» به یک «محصول دیجیتال» تبدیل می‌شود و ارزش فرد نه به عمق تجربیاتش، بلکه به تعداد بازخوردهایش گره می‌خورد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نمایش افراطی «خود» لزوماً به پذیرش یا تحسین بیشتر نمی‌انجامد، بلکه ممکن است به نتیجه‌ای معکوس ختم شود: تمسخر، کلیشه‌سازی یا حتی طرد شدن. همچنین، آمیختگی میان «تحسین» و «توجه‌طلبی» و نیز میان «صمیمیت» و «خودافشاگری»، به یک سردرگمی عاطفی منجر می‌شود که «هویت دیجیتال» را به عرصه‌ای شکننده تبدیل می‌کند که به آسانی قابل نفوذ و درهم شکستن است.^۵

۵- همان (۳۱۰).

در عصری که «اگوی دیجیتال» (من دیجیتال) به محور توجه بسیاری تبدیل شده، «برهنگی داوطلبانه» از یک رفتار صرفاً فردی فراتر رفته و به استراتژی‌ای برای ساختن برند شخصی بدل می‌شود. اینجا است که تناقض دیگری آشکار می‌شود: هرچه بیشتر برای ارائه تصویری بی نقص از خود می‌کوشیم، بیشتر از حقیقت و اصالتمان فاصله می‌گیریم. در نتیجه، برهنگی داوطلبانه به جای آنکه بیانی صادقانه از «خود» باشد، به نقاب دیگری تبدیل می‌شود که در پس آن پنهان می‌شویم. این افشاگری افراطی، «خلوت‌گزینی‌های ضروری» را تضعیف می‌کند؛ همان فضاهای شخصی و امنی که «خود» در آن‌ها، حریم خصوصی‌اش را شکل می‌دهد و به دور از چشم دیگران، تعادلش را بازیابد. در واقع، نمایش مداوم «خود»، حتی اگر تحت پوشش صمیمیت یا اصالت باشد، در بلندمدت زمینه را برای فرسایش احساس «خود» فراهم کرده و به از میان رفتن انسجام میان درون و بیرون، و میان آنچه واقعاً هستیم و آنچه به نمایش می‌گذاریم، منجر می‌شود.

در اینجا، بُعد روان‌شناختی مسئله برجسته می‌شود: برهنگی دیجیتال، توهمی از افشاگری را خلق می‌کند، اما در عمل، فرد را در وضعیتی از «محرومیت عاطفی به تعویق افتاده»^۶ نگه می‌دارد. زیرا تصویر دیجیتال، اشتیاق به دیده‌شدن را ارضا می‌کند، اما نیاز انسان به صمیمیت واقعی و تعامل دوطرفه را برآورده نمی‌سازد. این تناقض زمانی شدیدتر می‌شود که چنین رفتارهایی با دینامیک‌های سرمایه‌داری تلاقی پیدا می‌کنند؛ دینامیک‌هایی که هویت را به یک برند تجاری و ابراز «خود» را به محصولی قابل عرضه برای بازاریابی و مصرف تبدیل می‌کنند.

معضل آنجاست که فرد، زمانی که «خود» را بی‌وقفه در فضای دیجیتال به نمایش می‌گذارد، ممکن است در نهایت با خویشتنِ خویش بیگانه شود. زیرا تکرار و ویرایش بی‌حد و حصرِ تصویر «خود»، اصالت و خودانگیزگی آن را از

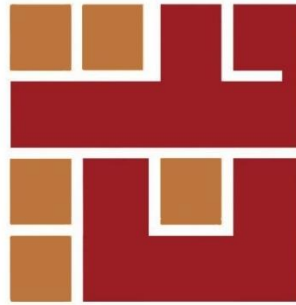
۶- «محرومیت عاطفی به تعویق افتاده» (Deferred Emotional Deprivation) وضعیتی است که در آن پاداش‌های فوری و سطحی فضای دیجیتال (مانند لایک) جایگزین نیاز عمیق انسان به صمیمیت واقعی می‌شود. در این حالت، فرد با سرگرم شدن به تأییدهای مجازی، ارضای نیازهای عاطفی بنیادین خود را ناآگاهانه به آینده موکول می‌کند و در خلأ باقی می‌ماند. (ویراستار)

بین می‌برد و آن را به نقابی چنان بی‌نقص بدل می‌کند که کندن آن حتی در لحظات صداقت نیز دشوار است. به این ترتیب، «برهنگی داوطلبانه» به جای آنکه تجلی صادقانه «خود» باشد، به یک سازوکار ناخودآگاه برای پنهان شدن در پس «تصویر خود» تبدیل می‌شود؛ و این، یک تناقض تلخ است که در آن، آزادی به «دیده شدن» فروکاسته شده و حقیقت به فراموشی سپرده می‌شود.

چالش امروز

شاید بزرگترین چالشی که امروز با آن روبه‌رو هستیم، چگونگی دستیابی به یک توازن جدید میان نیاز ما به دیده شدن و به رسمیت شناخته شدن از یک سو، و حق ما برای برخورداری از حریم خصوصی و استقلال فردی از سوی دیگر است. توازنی که به ما امکان دهد از ظرفیت‌های ارتباطی در دنیای دیجیتال بهره‌مند شویم، بی‌آنکه در این میان، حریم خصوصی و کرامت انسانی خود را از دست بدهیم.

به همین دلیل، کتاب «مرگ رازها» تشخیصی دقیق از پدیده برهنگی داوطلبانه به ما ارائه می‌دهد و ما را به بازاندیشی در رابطه‌مان با فناوری، رسانه و جامعه فرامی‌خواند. این کتاب با این کار، دری را به روی یک گفتمان اجتماعی ضروری می‌گشاید؛ گفتمانی درباره آینده حریم خصوصی و هویت در عصری که مشخصه بارز آن، افشاگری بی‌وقفه و برهنگی داوطلبانه است.



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies